

بررسی نظام‌مند از رشد مفهوم همپایی فناورانه

حسین قلیزاده

دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

hossein_gholizadeh@ind.iust.ac.ir

ابراهیم سوزنچی کاشانی

دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

souzanchi@sharif.edu

علی بنیادی نائینی*

دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

Bonyadi@iust.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

چکیده

مقاله حاضر یک بررسی نظام‌مند از رشد ادبیات همپایی فناورانه با استفاده تکنیک‌های کتاب‌سنجدی پیشرفته و پایگاه داده حاصل از جمع‌آوری مطالعات اصلی براساس جستجوی داده‌های وب‌افساینس انجام داده است. ۵۶۲۶ سند به دست آمده با استفاده از معیارهای هم‌رخدادی و هم‌استنادی تحلیل شد. نتایج نشان داد که مسئله همپایی فناوری در ادبیات دانشگاهی در دهه ۱۹۶۰ ظاهر شد اما تنها در دهه ۱۹۸۰ به حجم قابل ملاحظه‌ای دست یافت. در دهه ۱۹۹۰ بیشتر شد و گسترش یافت. در ابتدای شکل‌گیری در دهه ۸۰، دو جریان کاملاً مستقل رشد اقتصادی در سطح کلان و توامندی‌های فناوری در کشورهای در حال توسعه وجود داشتند که این جریانات در دهه ۹۰ به یکدیگر متصل شدند. اما در دهه بعدی مطالعات سطح بنگاه با تأکید بر توامندی‌های سازمانی توسعه یافتند که مسیر را برای مطالعات گستردۀ در دهه ۲۰۱۰ باز کرد که در آن بین‌المللی شدن شرکت‌های متاخر به صورت جدی مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین به صورت مشخص مطالعات از اقتصاد سطح کلان با تأکید بر رشد اقتصادی به سمت مطالعات سطح صنعت با تأکید بر بین‌المللی شدن و ارتقای فناوری تغییر کرده است که در آن چهار خوشه فکری رشد اقتصادی، نظام نوآوری، مدیریت دانش و پویایی صنعتی با هم در حال تعامل هستند. حوزه‌های اصلی که در مورد همپایی فناوری تحقیق می‌کنند، اقتصاد، کسب و کار و مدیریت هستند. همچنین همپایی فناوری را می‌توان یک حوزه بین رشته‌ای از سایر حوزه‌ها مانند مطالعات منطقه‌ای، مطالعات محیطی، تحقیقات عملیاتی و علوم اجتماعی در نظر گرفت. کلیدواژه‌های اصلی را می‌توان نوآوری، تحقیق و توسعه و بهره‌وری دانست.

واژگان کلیدی

همپایی؛ رشد اقتصادی؛ قابلیت فناوری؛ زنجیره ارزش جهانی؛ کتاب‌سنجدی؛ جهش.

صورت عمودی و هم به صورت افقی با در نظر گرفتن انواع عوامل اجتماعی و نهادی گسترش داد. این چشم‌انداز وسیع‌تر منجر به جریانی غنی از کار برای همپایی از دیدگاه نظام نوآوری شده است. گزارش در اواخر دهه نود از نظام نوآوری ژاپن اولین موردی بود که از این چارچوب برای نشان دادن نقش نظام نوآوری در همپایی استفاده کرد [۴۵]. در سطح کلان و از منظر تئوری رشد، نشان داده شد که آن دسته از کشورهایی که به سرعت به همپایی دست یافتند، به رشد سریع فعالیت‌های نوآورانه نیز دست یافتند [۶۷]. در دهه هشتاد، مجموعه‌ای از مطالعات در سطح شرکت در مورد همپایی فناوری در اقتصادهای تازه صنعتی شده «مانند کره، بزریل و مکزیک پدیدار شد. تحقیقاتی که توسط [۸] آغاز شد و توسط [۹] دنبال شد. صاحب‌نظران مختلف [۱۰، ۱۱، ۱۲] فرایند یادگیری فناورانه و تسلط بر فناوری را در سطح شرکت بررسی و پیچیدگی فرایند کسب فناوری و طبقه‌بندی‌های مختلف فعالیت‌های فناورانه (ماهیت متفاوت آنها) را در مقایسه با اقتصادهای پیشرفته نشان دادند. تحقیقات آنان نشان داد که فناوری نباید با ماشین‌آلات یا اطلاعات بی‌پیکر یکسان شود، بلکه باید به عنوان یک قابلیت تصور شود.

۱- مقدمه

اقتصاد جهانی تفاوت‌های قابل توجهی را بین اقتصادهای پیشرفته، نوظهور و در حال توسعه و روندهای همگرایی و واگرایی در مفهوم بهره‌وری نشان می‌دهد [۱]. شکاف‌های مداوم در درآمد، بهره‌وری و فناوری و پیوندهای نزدیک بین آنها یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و دانشگاهیان بوده است. این تحقیقات به ادبیات قابل توجهی در مورد عوامل درازامدت شکاف درآمدی و تفاوت در قابلیت‌های فناوری منجر شده است [۲]. تحقیقات جدید در زمینه همپایی فناوری یک حوزه علمی غنی است که از اویل دهه هشتاد شروع شده است. چهل سال سپاهه این تحقیقات این امکان را فراهم آورده است تا از الگوهای در حال تکامل در این زمینه که اهدف تحقیقی نسبتاً واضح اما مزدهای تحقیق فازی را دارند بتوان تصویرسازی نمود. در نیمه دوم دهه نود، مقاله پر استناد [۳] پتانسیل ملی برای همپایی را به عنوان یک شکاف فناوری و موضوع «قابلیت اجتماعی» ترسیم کرد. این چارچوب رویکردهایی را برای درک رشد و فناوری هم به

* بوسیله مسؤول

۱۲- ادبیات همپایی

واژه همپایی در ادبیات اقتصادی، ریشه در نگاه‌های اقتصاد کلان به رشد دارد که ابتدائاً در کارهای رایت سولو پیش‌بینی شده بود که رشد اقتصادی همگرا خواهد بود و کشورها در طول زمان به درآمد سرانه تقریباً مشابهی خواهند رسید. طبیعتاً از آنجا که سولو و مدل‌های رشد نوکلاسیک، فناوری را عامل بروني در نظر می‌گرفتند، انتظار می‌رفت همه بتوانند به صورت مشابهی به فناوری دست پیدا کنند. گرشنکرون در کتاب «عقب‌ماندگی اقتصادی از دیدگاه تاریخی» مطرح کرد که در نیمه دوم قرن نوزدهم، آمریکا و آلمان توансند از سیطره انگلستان درآمده و با کاهش شکاف فناورانه، پیشرو بودن این کشور را به طور قابل توجهی کاهش دهنده [۲۹] مقاله آبرامویتز بسیار مهم بود چرا که نشان داد که برخی کشورها بعد از جنگ دوم جهانی توanstند بهره‌وری نیروی کار خود را به سطح کشورهای پیش‌رفته برسانند. وی عنوان کرد که سرمایه اجتماعی، عامل اصلی بوده است که آنها را موفق ساخته و باعث شده که آنها بتوانند فناوری را از کشورهای پیش‌رفته نیز جذب کنند. وی همچنین به مفهوم همگرایی فناورانه اشاره کرد که در صورتی که بین کشور مبدأ و مقصد این همگرایی نباشد، جذب فناوری با مشکل مواجه خواهد شد. بنابراین این دو عامل باعث می‌شود که کشورها بتوانند همپا شوند، از کشورهای دیگر حتی جلو بیفتند و یا اینکه کلأ عقب بیفتند [۳]. در همین دهه هشتاد، گروهی از محققان به صورت پراکنده بر روی کشورهای در حال توسعه کار می‌کردند که در سطح بنگاه و ملی به مسئله کاهش شکاف فناورانه با یک رویکرد تجربی می‌نگریستند. بنابراین از نظر اقتصادی، همپایی به مفهوم کاهش شکاف درآمد سرانه تعریف شده بود و از نظر بنگاهی، کاهش شکاف فناورانه را جستجو می‌کرد. در میان این نظریات، برخی متغیران را رویکرد غیرمرسوم کم کم به مطالعات اقتصادی پیوستند و از طریق همگرایی مطالعات فناوری و رشد اقتصادی، عنوان کردند که کاهش شکاف فناورانه یکی از عوامل اصلی کاهش شکاف درآمد سرانه است [۷]. در مورد توسعه این مفهوم از آن زمان تاکنون، کارهای کمی صورت گرفته است و یک مرور نظاممند از ادبیات می‌تواند هم تحول آن را در طول و هم شبکه‌های اصلی فکری و جریان‌های آن‌ها را آشکار ساخته و آخرین تحولات را با یک روش علم‌سنجی مشخص نماید.

۱۳- روش تحقیق

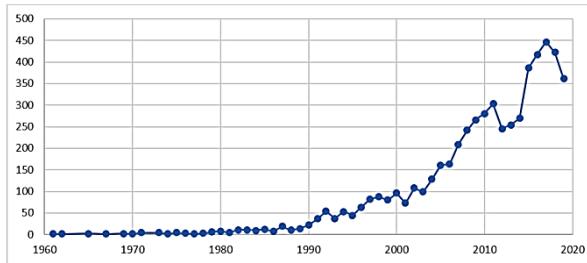
در این مقاله از نرم‌افزار سایت اسپیس^۲ برای مصورسازی ساختار فکری ادبیات همپایی فناوری، شناسایی نقاط عطف و تجزیه و تحلیل چگونگی تکامل تحقیقات استفاده شده است [۳۰، ۳۱]. تجزیه و تحلیل‌ها براساس سه معیار اصلی است که معمولاً در نقشه‌های علمی استفاده می‌شود: هم‌استنادی، مرکزیت و انفجار در استنادات.^۳ تحلیل هم‌استنادی

این رویکرد مبتنی بر نظریه مبتنی بر منابع یا قابلیت‌های پیروز بعداً توسط متخصصان اصلی اقتصاد و راهبرد کسب و کار «کشف» شد. درک از فناوری به عنوان یک قابلیت در فرایند همپایی در مقاله پراستناد [۱۴، ۱۵] خلاصه شده است. چارچوب قابلیت‌های فناورانه اساس مطالعات متعدد تجربی (در سطح شرکت) را در طول دهه نود تشکیل می‌دهد که رشد شرکت‌های متأخر و موانع ظهور آنها به عنوان رهبر را بررسی کردند. محققان مختلف موقوفیت کشورهای آسیای شرقی را در صنایعی مانند لوازم الکترونیکی مصرفی، خودروسازی، و کشتی‌سازی بررسی کردند و تحلیل‌های خود را براساس این مفاهیم شرکت‌های همپایی کننده و متأخر ارائه دادند [۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱]. همچنین، در این دوره، تحقیقات بر روی تطبیق همپایی فناوری در سطح شرکت بروی تجربه موفق شرکت‌های ژاپنی با استفاده از لذت‌های مفهومی مانند راهبرد [۲۲]، خلق دانش [۲۳] و «تولید ناب» [۲۴] متمرکز شد. اوایل دهه ۲۰۰۰ ظهور برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، منجر به علاقه محققین به رابطه بین همپایی فناوری و جهانی شدن، شد [۲۵، ۲۶]. مسیرهای جدید همپایی فناوری و شیوه‌های ادغام با اقتصاد جهانی منجر به افزایش تحقیقات در مورد چین و هند و شرکت‌های چندملیتی در اقتصادهای در حال ظهور^۱ شد [۲۱]. مطالعات نوآوری با تمرکز بر اقتصادهای پیشرفتی بر صنایع مبتنی بر پروره و پیچیده تأکید دارد و محققان پیشرفت رشد قابلیت‌های متأخر را در این بخش‌ها بررسی کرند [۲۷، ۲۸]. به طور خاص، مفهوم «قابلیت‌های یکپارچه‌سازی سیستم‌ها» برای امکان پذیر ساختن بررسی همپایی در اقتصادهای در حال توسعه پیشنهاد شد. این خلاصه از تکامل ادبیات همپایی فناوری، ناقص، غیرنظاممند، و احتمالاً منعکس کننده سوگیری‌های تفسیری نویسنده‌گان است. مقاله حاضر از ابزارهای تجزیه و تحلیل کتاب‌سنجی استفاده می‌کند تا با بررسی اینکه چگونه پایه‌های فکری ادبیات همپایی فناورانه تکامل یافته است، یک بررسی کامل ارائه دهد. ادبیات همپایی با کاوش در موضوعات مختلف تحقیقاتی توسط محققان مختلف همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد. با این حال، کمتر تحلیل نظاممندی از سیر تحول این وجود دارد که جریان‌های این حوزه مطالعاتی را کامل پوشش دهد. مقاله حاضر بر آن است تا این خلا را پر کند. در دهه هشتاد، همپایی فناوری به عنوان یک موضوع تحقیقاتی پدیدار شد و با مرور ادبیات می‌توان نویسنده‌گان و مقالات اصلی را در آن دوره شناسایی کرد. با این حال، تا سال ۲۰۲۰، این حوزه به شدت گسترش و پیچیدگی آن افزایش یافته است، که این دلیل بررسی ادبیات توصیفی مرسوم را ناکافی دانسته و بنابراین نیاز به یک مرور کلی و نظاممند از همه جواب وجود دارد. در بخش ۲ به صورت مختصر ادبیات همپایی مرور شده است. در بخش ۳ روش تحقیق و در بخش ۴ داده‌ها به طور خلاصه شرح داده شده‌اند. در بخش ۵ تجزیه و تحلیل تحقیق و در بخش ۶ نتیجه‌گیری آمده است.

مدیریت دولتی محدود و فهرست به دست آمده برای استخراج منابع و ساخت پایگاه داده برای شروع تجزیه و تحلیل کتاب‌سنگی استفاده شد. نهایتاً برای جستجوی نهایی با استفاده از کلمات کلیدی بیان شده پایگاه داده استخراج گردید. برای آمده‌سازی داده‌ها از زبان برنامه‌نویسی R استفاده شد و دسته‌بندی‌ها و ایجاد تغییرات در پایگاه داده به منظور تصحیح داده‌ها و حذف دوباره کاری و همچنین اضافه کردن داده‌هایی که مشابهت داشتند صورت پذیرفت. اندازه یک گره مناسب با تعداد استنادهای نرمال‌شده در آخرین باره زمانی است. در مورد دوره‌های ادغام شده، داده‌ها به صورت تجمعی ارائه شدند. اندازه برچسب هر گره مناسب با استنادات مقاله است. بنابراین، گره‌های بزرگ‌تر دارای برچسب‌هایی بزرگ‌تر هستند.

۴- تمیل توصیفی

در این تحقیق ۵۶۲۶ سند منتشر شده بین سال‌های ۱۹۶۰-۲۰۲۰ است. متبوع مجزا (شامل کتاب، مجلات و مقالات کنفرانس) ۴۳۹۰، کلیدواژه پلاس، ۹۸۹۹ کلیدواژه نویسنده و ۹۲۸۹ نویسنده مختلف وجود دارد که انواع استناد شامل ۳۷۷۹ مقاله، ۱۸ کتاب، ۲۷۲ فصل کتاب و ۴۹ جلد ویرایش شده، از جمله کتاب‌های راهنمایی باشد. شکل ۱ افزایش نرخ انتشار سالانه را نشان می‌دهد. همپایی فناوری به عنوان موضوع تحقیق در دهه شصت شناخته شد. با این حال، انتشارات آن تنها در دهه هشتاد به حجم بالایی دست یافتند. آنها در آغاز دهه نود و دوباره از سال ۲۰۰۲ و ۲۰۱۴ به شدت افزایش یافته‌اند. این افزایش به خوبی منعکس کننده تکامل ادبیات بوده و نشان می‌دهد که یک منطقه کاملاً محدود تعریف شده به‌طور قابل توجهی گسترش یافته و به نرخ بیش از یک مقاله در روز در دهه گذشته رسیده است.



شکل ۱- تعداد انتشارات ۱۹۶۰-۲۰۲۰

محله پیشو از منشور کننده در زمینه همپایی فناوری Research Policy (RP) با ۱۸۰ مقاله می‌باشد (شکل ۲). مجله Strategic Management در مورد همپایی فناوری مشابه مقالات منتشر شده توسط مجلات Industrial & Corporate Change (ICC) و Management R&D (RDM) است. جالب توجه است که دو مجله چک (Casopis Ekonomický a Politický) و Ekonomie Politická زیادی را در مورد همپایی فناوری مشابه ICC و RDM منتشر کرده‌اند هر چند در دوره‌های متفاوت این اتفاق افتاده است. این نشان‌دهنده میراث دوره سوسیالیستی و علاقه به رشد بلندمدت مبتنی بر «پیشرفت علم و

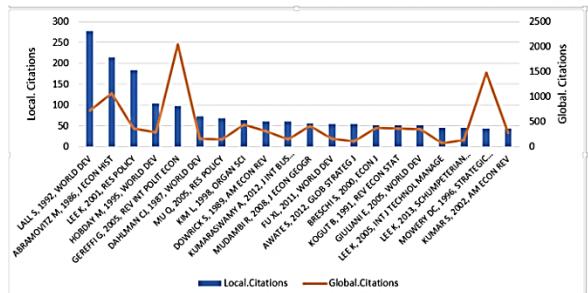
به‌طور فزاینده‌ای برای ترسیم شبکه مفاهیم در زمینه‌های علمی استفاده می‌شود، اساس این ایده مبتنی بر آن است که اگر دو سند توسط مقاله سوم هم استناد شوند، ممکن است از نظر مفهومی با یکدیگر مرتبط باشند [۳۲]. با افزایش تعداد استنادهای مشترک، این احتمال نیز افزایش می‌یابد و امكان می‌دهد پیوند قوی بین اسناد ایجاد شود. مرکزیت شاخصی است که کوتاه‌ترین فاصله را بین گره‌های مختلف اندازه‌گیری می‌کند. یک سند مرکزی در کمترین فاصله از گره‌های دیگر قرار می‌گیرد. هرچه سندی مرکزی تر باشد، به احتمال بیشتر حاوی مفهومی دگرگون کننده است که گره‌های دیگر را به هم متصل می‌کند. انفجرار استنادی به ارتباط یک نشریه خاص با افزایش استنادها اشاره دارد. شاخص انفجرار^۱ افزایش استناد به یک سند را در طول زمان اندازه‌گیری می‌کند. در نهایت، قدرت ویژگی‌های ساختاری و زمانی گره، یعنی مرکزیت بین آن و انفجرار استناد، به عنوان سیگما تعریف می‌شود [۳۰]. این روش‌ها نسبت به تکنیک‌های قبلی مانند شمارش استنادها برتری دارند زیرا تصویری بصری از یک شبکه علمی ارائه می‌دهند. علاوه براین، از روش‌های کنونی مانند مسیریاب برای نشان‌دادن بهتر پیشرفت زمانی حوزه‌های علمی استفاده می‌شود. در این مقاله، ما از مقیاس‌گذاری شبکه مسیریاب^۲ استفاده شده است که به عنوان تکنیک کاهش برای حذف برخی از شاخه‌ها برای ساده‌کردن استفاده می‌شود و برای نشان‌دادن تکامل یک حوزه سازگاری بهتری دارد [۳۳]. داده‌های موردنیاز از پایگاه اطلاعاتی وب‌افسانیس اخذ شده است. برای ایجاد پایگاه داده، از کلمات کلیدی مرتبط زیر برای محدود کردن حوزه تحقیق استفاده شد:

Indigenous capabilities", "Indigenous technological innovation", "Technological capability", "Technological capabilities", "Late industrializing", "Late Industrialising" "Late industrialization", "Late Industrialisation", "Catch up", "Catch-up", "Catching-up", "Catching up", "Latecomer firm", "Latecomer firms", "Latecomer capability", "Latecomer capabilities", "Latecomer strategies", "Latecomer strategy", "Technological development", "Technological learning", "Upgrading", and "Global Value Chain.
در ابتدا، کلیدواژه‌های زیر به عنوان مفاهیم اصلی رایج در ادبیات مربوطه انتخاب شدند. کلمات کلیدی محدود به یک تفسیر دقیق از همپایی فناوری هستند که به این معنی است که جستجو فقط آن دسته از انتشاراتی را شناسایی می‌کند که صرحتاً در مورد همپایی فناوری هستند. جستجوی اولیه به استناد مرتبط، به علاوه مطالعات بسیاری در روانشناسی و یادگیری منجر شد که شامل مفهوم همپایی بودند. در این پژوهش، جستجو را با استفاده از دسته‌های وب‌افسانیس اقتصاد، مدیریت، مطالعات توسعه، بازارگانی، امور مالی بازارگانی، تحقیقات عملیاتی، علوم مدیریت، مطالعات محیطی، جغرافیا،

1. Burst

2. Pathfinder Network Scaling

استنادهای «محلى» به استنادهای هر سند در میان ۵۶۲۶ سند موجود در مجموعه داده ما اشاره دارد. آنها معیاری برای برتری یا به رسمیت شناختن در جامعه محققین فناورانه هستند. شکل ۵ نشان می‌دهد که "محلى" ترین مقاله مورد استناد، در مورد قابلیت‌های فناورانه است که در World Development منتشر شده است، پس از آن [۳] است که مفهوم همپایی را به عنوان جایگزینی برای جریان اصلی دوگانگی همگرایی-اگرایی معرفی می‌کند. رتبه سوم [۲۴] است که نزدیک به ۲۰۰ استناد «محلى» دریافت کرده است. رتبه چهارم مقاله [۱۷] در مورد مفهوم نوآوری متأخر و اهمیت راهبردی مکانیسم‌های دوگانه دسترسی به بازار و فناوری است.



شکل ۵- بیشترین استناد استنادشده در سطح محلی و جهانی در مورد همپایی فناوری

۵- تمثیله و تحلیله

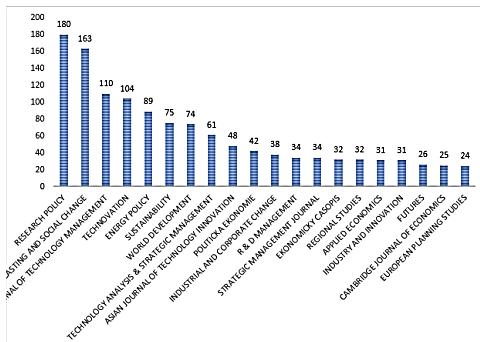
۱- توزیع حوزه‌های

تحقیقات در زمینه همپایی فناوری تحت سلطه تجارت و اقتصاد به عنوان یک مقوله اصلی در وبافساینس با ۴۷۸۲ هم‌رخدادی است. سلطط این رشته‌ها منعکس‌کننده ماهیت تغییرات فناورانه است که به طور ذاتی با تأثیرات و عوامل تعیین‌کننده اقتصادی، سازمانی و سطح شرکت مرتبط است. همچنین، کلاوش در سطوح مختلف (به ویژه مزو و خرد) و سایر ابعاد فرایندهای فنی-اقتصادی (سازمانی، فناوری، مالی، اقتصادی) برای درک ماهیت تغییرات فناورانه در چندین نحوه تعامل آن با اقتصاد ضروری است. تحقیقات همپایی فناورانه در چندین زمینه مجاور مانند مطالعات منطقه‌ای، مطالعات محیطی، تحقیقات عملیاتی و علوم اجتماعی وجود دارد (شکل ۶). بنابراین، ما می‌توان همپایی فناوری را به عنوان یک حوزه بین رشته‌ای واقعی در نظر گرفت.

۲- تجزیه و تحلیل آنالیز کلمات کلیدی

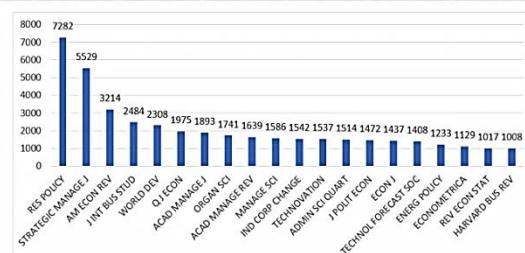
تجزیه و تحلیل شبکه هم‌رخدادی کلمات تصویری از موضوعات مرتبط و چگونگی تکامل تحقیقات در این منطقه ارائه می‌کند. در اینجا از کلمات کلیدی نویسنده برای تحلیل استفاده شده است. شکل ۷ نتایج را برای کلمات کلیدی نویسنده نشان می‌دهد که در آن اندازه گره‌ها متناسب با فراوانی هم‌زمانی کلمات کلیدی مربوطه است. براساس شکل ۷ "نوآوری" با ۹۴۰ بار مرکزی، مهم‌ترین گره است و چهار خوشة قابل توجه مرتبط با مفهوم نوآوری وجود دارد. در سمت راست شکل، نوآوری با دانش، قابلیت فناوری، شرکت، صنعت و نظام نوآوری مرتبط است. خوشه پایین شکل ۷

فناوری» و ایده‌های پیش‌بینی فناوری است. همانطور که انتظار می‌رفت، فهرست مجلات نشان می‌دهد که این موضوع در مجلات مطالعات نوآوری غالب و در مجلات دیگر نسبتاً رواج دارد. در بین ۲۰ مجله برتر پر استناد، ۱۳ مجله در بین ۲۰ مجله برتر با بیشترین تعداد مقالات منتشرشده قرار ندارند. شکاف قابل توجهی بین ادبیات تأثیرگذار در زمینه همپایی فناوری منتشر شده در مجلات مطالعات غیر نوآوری و مجلات «مناسب» مطالعات نوآوری وجود دارد. این شکاف نشان می‌دهد که دهد که مؤثرترین ایده‌ها و تحقیقات لزوماً در مجلات مطالعات نوآوری منتشر نمی‌شوند.



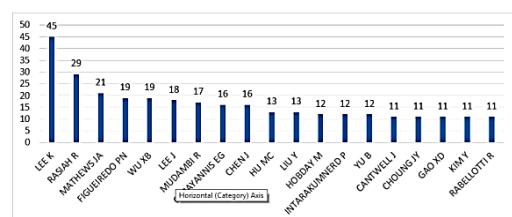
شکل ۲- بیشترین مجله برتر دارای مقالات در زمینه همپایی فناوری

این هفت مجله را می‌توان تأثیرگذارترین مجلات مطالعات نوآوری دانست که تنها چهار مورد از آنها را باید به عنوان مجلات "مناسب" مطالعات نوآوری در نظر گرفت. ما بر این بازتابی سالم از علایق گسترشده‌تر در همپایی فناوری است که فراتر از مرزهای باریک (فرعی) رشتہ‌ای است و احتمالاً ماهیت پیش‌بازدیده ادبیات همپایی فناوری را منعکس می‌کند.



شکل ۳- مجلات دارای بیشترین استنادها برای مقالات همپایی فناوری

کیون لی، با ۴۵ اثر، پرکارترین نویسنده در حوزه همپایی فناوری است (شکل ۴)، اکثر نویسنده‌گان فهرست شده در شکل ۴ از آسیا هستند، که نشان می‌دهد این قاره محیطی مستعد برای تحقیقات در زمینه همپایی فناوری است که با توجه به بسیاری از اقتصادهای در حال رشد در این قاره تعجب‌آور نیست.



شکل ۴- رتبه‌بندی نویسنده‌گان براساس تعداد مقالات همپایی فناوری

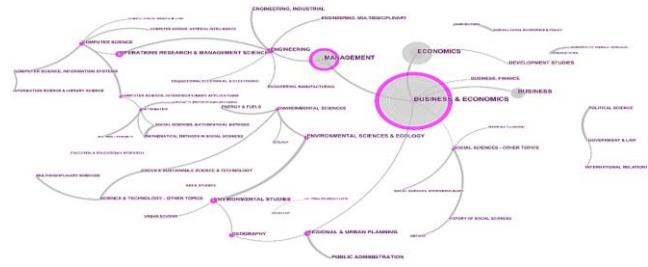
۵-۳- تکامل شبکه استنادی

شکل‌های ۱۰-۸ نشان می‌دهد که چگونه شبکه‌های فکری از دهه ۱۹۸۰ توسعه یافته‌اند. آنها نقشه‌های استنادی مشترک آثار را در هر دهه و تمرکز مربوطه آنها را به تصویر می‌کشند.

تجزیه و تحلیل استناد مشترک امکان ردهایی جفت مقالات ذکر شده در یک مقاله منبع را فراهم می‌کند. اگر حداقل یک سند دیگر به همان دو سند به عنوان سند کانونی استناد کنند، گفته می‌شود که این استناد بر یک موضوع مشترک متمرکز شده‌اند. هر چه تعداد استنادات این دو سند بیشتر باشد، قدرت هم‌استنادی آنها بیشتر می‌شود و احتمال ارتباط معنایی آنها بیشتر می‌گردد. اگر همان جفت مقاله توسط بسیاری از نویسنده‌گان مشترک استناد شود، این اساس یک خوش تحقیقاتی را تشکیل می‌دهد. در دهه ۱۹۸۰، دو مکتب فکری اصلی غیرمرتبط تأسیس شد. اولین خوش شامل آثاری از اقتصاددانان آمریکایی با پیشینه یا علاوه شدید به تاریخ اقتصادی و رشد بلندمدت است [۳۸-۳۶]. این کارها اغلب کمی بوده و از این‌رو با تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی و معاصر [۳۶-۳۹] نقش مانند اندازه بهینه دولت [۴۰] و بازبودن [۴۱] مرتبط بود. مقاله [۳] نقش مرکزی در بررسی مسائل همپایی در رشد اقتصاد کلیدی بوده است و نظریه‌ای را برای همپایی ارائه کرد که اثرات خاص زمان، سرمایه اجتماعی و تطابق فناورانه را به عنوان عوامل تعیین‌کننده حیاتی در نظر می‌گیرد. این اثر همچنین نقش مهمی در ادبیات همپایی دهه نو دارد.

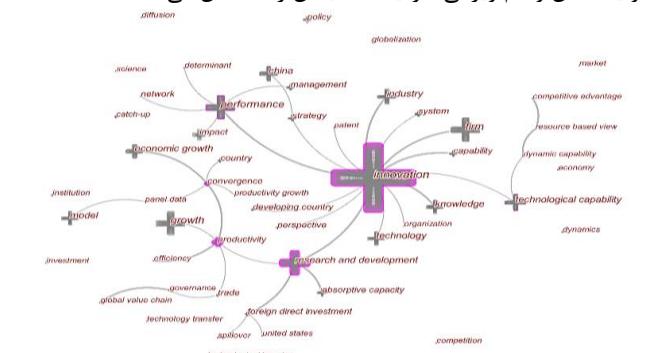
خوش دوم شامل کار بر روی قابلیت‌های فناورانه در کشورهای در حال توسعه است که در آن زمان کشورهای جهان سوم نامیده می‌شوند، در مورد موضوع تسلط بر فناوری و پدیده کشورهای در حال توسعه به عنوان صادرکنندگان فناوری. کتاب [۴۲] مرجع اساسی بوده و عقیده دارد تحقیقات در مورد فناوری «جهان سوم» عمدتاً بر انتقال فناوری و انتخاب فناوری از خارج متمرکز شده است. حجم آنها بر نحوه جذب و انتساب فناوری وارداتی با شرایط محلی متمرکز است که منجر به انواع مختلفی از پیشرفت‌های فناورانه می‌شود. نویسنده‌گان اصلی در این خوش کارل دالمن و لری وستفال، مارتین بل، سایمون تینل، ناثان روزنبرگ و سانجایا لال هستند که می‌توان آنها را پیشگامان رویکرد قابلیت فناوری در نظر گرفت. تحقیقات آن‌ها مبنی بر سطح خرد بود و فرایند فشرده یادگیری فناوری، طبق‌بندی انواع مختلف قابلیت‌های اکتسابی، و ماهیت سازمانی ایجاد قابلیت‌های فناوری را نشان داد. کار این محققین مقدمه چیزی بود که ده سال بعد به جریان اصلی دیدگاه مبتنی بر منابع یا قابلیت‌هایی شرکت تبدیل شد. سایر مشارکت‌ها مناطق دورافتاده را اشغال می‌کنند، اگرچه برخی در دهه‌های بعد اهمیت بیشتری پیدا کردند. مجلدات [۴۳] و [۴۴] علاقه به همپایی کره‌ای‌ها را برانگیخت، در حالی که جلد ویرایش شده [۴۵] در مورد هند و چین مبنای تحقیقات مشابه متمرکز بر آن کشورها بود. مشارکت‌های فردی اقتصاددانان چک نشان‌دهنده علاقه به «پیشرفت علم و فناوری» و پیش‌بینی آن بود. با این حال، این آثار از دو خوش اصلی فکری دهه هشتاد جدا مانندند.

نشان می‌دهد که نوآوری به تحقیق و توسعه به عنوان محوری برای قابلیت نوآوری مرتبط است که به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بهره‌وری مرتبط است. خوشه در سمت چپ، نوآوری را به عملکرد و متغیرهای سطح شرکت (مدیریت، شبکه، تأثیر) مرتبط می‌کند. خوشه پایین شکل ۷ نشان می‌دهد که



شکل ۶- رشته‌های درگیر در تحقیقات همپایی فناوری

نوآوری به تحقیق و توسعه به عنوان محوری برای قابلیت نوآوری مرتبط است که به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بهره‌وری مرتبط است. خوشه در سمت چپ، نوآوری را به عملکرد و متغیرهای سطح شرکت (مدیریت، شبکه، تأثیر) مرتبط می‌کند. خوشه چهارم شامل رشد و رشد اقتصادی است اما هیچ ارتباط مستقیمی با نوآوری ندارد. این خوشه ادبیات مبتنی بر اقتصادسنجی رشد را با کلمات کلیدی مانند همگرایی، رشد بهره‌وری، مدل و داده‌های تابلویی نشان می‌دهد. در اقتصادسنجی رشد، گرفتن ماهیت چند بعدی فناوری بسیار چالش برانگیز است. این مورد توضیح می‌دهد که چرا رشد به نوآوری فقط به طور غیرمستقیم و فقط به تحقیق و توسعه مرتبط است. فناوری به تحقیق و توسعه به عنوان متداول‌ترین عامل تعیین‌کننده کاوش می‌باید که هم تولید دانش و هم ویژگی ظرفیت جذب آن را معکوس می‌کند [۳۵].

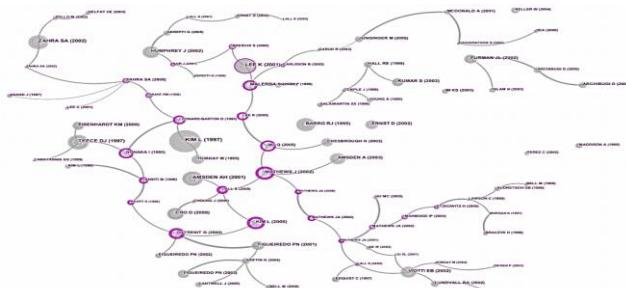


شکل ۷- تحلیل هم‌وازنگانی و هم‌خدادی کلمات کلیدی^۱

کلیدواژه‌های اصلی تحقیق "نوآوری"، "تحقیق و توسعه" و "بهره‌وری" است. این کلیدواژه‌ها مهم‌ترین دغدغه‌های ادبیات همپایی فناوری را به صورت تجمعی خلاصه می‌کنند. با این حال، همانطور که در ادامه آمده است، تحول قابل توجهی از دغدغه‌های فکری و مسائل تجربی در ادبیات مربوط به همپایی فناوری وجود دارد که فراتر از این مثبت عمومی است.

1. Co-Word Co-Occurrence Analysis

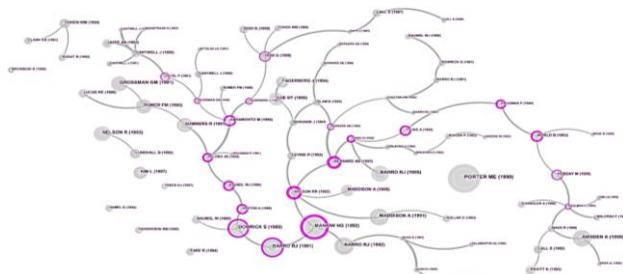
در دهه ۲۰۰۰ خواهند داشت که در مورد نظامهای نوآوری ملی توسط [۵۶] و [۵۷] و با مشارکت [۵۸] در مورد ظرفیت جذب بودند.



شکل ۹- شبکه هم استنادی ادبیات همپایی در دهه ۲۰۰۰

نگاشت خوشهای فکری در دهه ۲۰۰۰ با تجربیات رشد و همگرایی و واگرایی، به طور قابل توجهی تغییر کرد. تنها اثر دهه ۱۹۹۰ که در این زمینه به آن اشاره می شود، اثر [۴۸] در مورد تورم و رشد است. یک خوشه تجربی رشد ماندگار وجود دارد که حول مقاله [۵۹] متمرکز شد که در مورد نقش مؤسسه‌ساز در رشد است، کار [۶۰] در مورد نقش سرمایه برای تعمیق رشد و در نهایت کار [۶۱] در مورد بررسی شواهد رشد می‌باشد با این حال، هیچ یک از نظر فکری با تحقیقات تاریخی و خاص منطقه‌ای (عده‌تاً شرق آسیا و آمریکای لاتین) در مورد رشد مرتبط نیستند. ویژگی اصلی دهه ۲۰۰۰، تسلط کار بر روی شرکت‌های متاخر که چارچوب قابلیتی را اتخاذ می‌کنند، می‌باشد. این کارها بر ظهور شرق آسیا متمرکز است، اما از نظر تئوری با دیدگاه قابلیت‌های پویا شرکت مرتبط است. خوشه جدیدی در مورد رشد و فناوری با استفاده از شاخص‌های تکیبی و مفهوم ظرفیت نوآوری ملی وجود دارد [۶۴]. کتاب [۶۲، ۶۳] در مورد سرمایه مالی و انقلاب‌های فناوری و اثر [۶۵] هیچ پیوند فکری مستقیمی ندارند.

شبکه دهه ۲۰۰۰ حول کار [۶۶] بر روی شرکت‌های متاخر از منظر منابع (قابلیت) متمرکز است و سه جریان فکری را به راه انداخت. جریان دست راست (جنوبی) به نظامهای نوآوری و مارپیچ سه‌گانه ([۶۷]) و ادبیات نظامهای نوآوری منطقه‌ای مرتبط است. دومی شامل مجموعه‌ای است که توسط [۶۸] تحت عنوان نظامهای نوآوری منطقه‌ای - نقش حکومت‌ها در جهانی شدن، [۶۹] در مورد نظامهای نوآوری منطقه‌ای و در نهایت نظریه شایستگی مناطق ([۷۰] ویرایش شده است. همچنین جریانی از کار روی نظامهای نوآوری وجود دارد، از جمله [۷۱] که بین نظامهای یادگیری ملی غیرفعال و فعل تمايز قائل شد. جریان سمت راست (شرق) با محوریت [۶۶] به اثر [۷۲] (با عنوان فناوری، یادگیری و نوآوری: تجربیات اقتصادهای صنعتی در تازه صنعتی شده) مرتبط است. این جریان کاری به مطالعات دوترنیت درباره شرکت‌های مکزیکی متاخر و از نظر فکری به کار پائولو فیگوئردو که روی قابلیت‌های بزریل انجام شده است، مرتبط است. این مجموعه از تحقیقات بیشتر مربوط به ادبیات نظری در



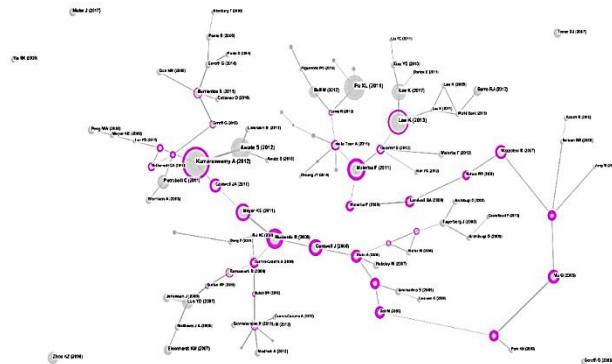
شکل ۸- شبکه هم استنادی ادبیات همپایی فناوری در دهه ۱۹۹۰

همچنین، دو خوشه اصلی - قابلیت‌های فناوری و رشد اقتصادی در چشم‌انداز بلندمدت - کاملاً از هم تفکیک شده بودند که نشان‌دهنده دوگانگی خرد - کلان و مبانی معرفت‌شناسختی متفاوت دو جریان بود. با پیشرفت تفکر نئو‌شومپیتری در دهه‌های بعد، این دوگانگی بسیار کمتر مطرح گردید. در دهه نود، تحقیقات همپایی فناوری واقعاً اوج گرفت. تعداد استنادهای مشترک از ۸۳ در دهه هشتاد به ۹۴۸ در دهه نود افزایش یافت که نشان‌دهنده ظهور یک جامعه تحقیقاتی و برنامه تحقیقاتی متعدد است. تغییر مهم دیگر این بود که خوشه ایالات متحده در مورد رشد اقتصادی و خوشه قابلیت فناوری شروع به همگرایی کردند. علاقه اولیه به رشد بلندمدت و عوامل تعیین‌کننده آن در دهه نود بر محرك‌های همگرایی/ واگرایی در رشد اقتصادی متمرکز بود. هسته این خوشه حول محور [۳۶] است که نشان داد با ثابت نگه‌داشتن رشد جمعیت و انباشت سرمایه، کشورها تقریباً با نرخ پیش‌بینی شده توسط مدل سولو تقویت شده همگرا می‌شوند. روش‌شناسی و رویکردهای پذیرفته شده در این کار ارتباط نزدیکی با کارهای [۴۷، ۴۸] در مورد همگرایی دارد و به نتایج مشابهی می‌رسد. این کار با رو برو پایه [۴۹] استوار شد که همگرایی را در بین اقتصادهای OECD نشان داد. این مشارکت‌ها مبتنی بر مدل‌های رشد درون‌زای [۵۰]، [۵۱] و [۵۲]، [۳۹] است که داده‌های بلندمدتی را برای آزمایش این گزاره‌ها ارائه می‌کرد. برای اولین بار، این رویکرد به رشد با رویکردهای تکاملی و هترودوسکی به رشد و نوآوری از طریق [۵۳] مرتبط شد که به پل‌زدن این خوشه‌های مجرزا کمک کرد. مقاله [۵۴] تعریف جدیدی از همگرایی ارائه کرد، روندهای تولید سرانه را بررسی و ادبیات جایگرین و گسترش‌های تری را در مورد تجربیات رشد مطالعه کرد. این مطالعه توضیحات جایگرین و روش‌شناسختی متعدد رشد آسیای شرقی را با در نظر گرفتن نقش دولت و ایجاد قابلیت‌های فناوری مرتبط کرد. آبرامسویتز ادبیات رشد اقتصادی نوکلاسیک در مورد همگرایی/ واگرایی را بیشتر با رویکردهای تکاملی شکاف فناوری جدید هترودوسکی و تجربی پیوند داد. این خط تحقیقات به طور قابل توجهی در دهه ۲۰۰۰ گسترش یافت. بیشترین استناد در دهه ۱۹۹۰ اثر [۵۵] "مزیت رقابتی ملل" است که از نظر پیوندهای هم‌استنادی فکری جدا باقی مانده است. رویکرد مبتنی بر خرد و مبتنی بر تجربی پورتر به رشد، نشان‌دهنده تغییر پارادایمیک است نه نتیجه جامعه علمی که ایده‌های تحقیقاتی خود را از طریق ارتباطات دانشگاهی مرسم از طریق مجلات توسعه می‌دهد. سایر آثار جدنشده در دهه ۱۹۹۰ نقش مهمی

رامورتی در مورد شرکت‌های چندملیتی بازارهای نوظهور [۷۹] و مقاله او در سال ۲۰۱۲ مرتبط است. مرکز جریان اول، مقاله [۸۰] است عنوان مقاله دهه را توسط مجله Journal of International Business Studies می‌کند. جریان سمت راست (شمال‌شرقی) شبکه از مقاله [۸۱] در مورد "اختیارات فرعی ایجاد شایستگی MNE" [۸۲] در مورد سرریزهای فناوری شامل دو جریان فرعی است. اول کار بر روی سرریزهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی [۸۳]، سرریزهای تحقیق و توسعه [۸۴] و انتقال فناوری [۸۵، ۸۶]. مورد دیگر شامل مطالعات پخشی است که چندین مورد با همکاری کیون لی، که رابطه بین دانش خارجی و داخلی را در ارتقاء فناوری پخشی بررسی می‌کند، می‌باشد. جریان فکری چپ (جنوب‌غربی) با مودمی شروع می‌شود. این شامل تحقیقات [۸۷] در مورد همپایی و "مسئلولیت خارجی بودن" [۸۸] در اقتصادهای نوظهور است که سه دیدگاه را در مورد زنجیره‌های ارزش جهانی به هم مرتبط می‌کند. اولین مورد از مقاله بارینتوس، گرفی و روسی [۸۸] در مورد "ارتقای اقتصادی و اجتماعی در شبکه تولید جهانی" نشأت می‌گیرد. دومی مبتنی بر «نگاهی مبتنی بر نهاد به راهبرد کسب‌وکار بین‌المللی» [۸۹] است. سومین دو ارتباط را مورد بحث قرار می‌دهد، اولین ارتباط بین زنجیره‌های ارزش جهانی و نظام‌های نوآوری [۹۰] است و دومین ارتباط بین زنجیره‌های ارزش جهانی و قابلیت‌های فناوری که متصرک بر [۹۱] می‌باشد. دومین شبکه فکری حول محور کیون لی و کار او با ماربا شکل می‌گیرد، که هم از نظر تجریبی و هم از نظر مفهومی کاملاً بر مکانیزم‌های همپایی فناوری در سطح پخشی متصرک است. نقطه محوری برای این موضوع، [۹۲] در مورد همپایی اقتصادی، مقاله [۲۹] که در Research Policy به چاپ رسیده است و نهایتاً [۹۳] در Industrial and Corporate Change می‌باشد. اگرچه او نویسنده هفت مقاله در نقشه شبکه هم‌استنادی است اما شکل ۱۰ کل مشارکت کیون لی را نشان نمی‌دهد. [۹۴] و [۹۵] تشکیل یک خوشه کوچک متصرک بر سنجش سیستم‌ها و قابلیت‌های نوآوری ملی را می‌دهند. علاوه بر این، چندین مشارکت جداگانه وجود دارد، از جمله کار [۹۶] در مورد وضعیت کارآفرینی که به احتمال قوی در مرکز خوشه‌های جدید در دهه ۲۰۲۰ خواهد بود.

به طور خلاصه، تحلیل هم‌استنادی اسناد به تفکیک دهه‌ها نشان می‌دهد که چگونه حوزه تحقیق از نظر کیفی گسترش و تکامل یافته است. شبکه فرآگیر فکری و فناوری از ۸۳ هم‌استنادی در دهه ۱۹۸۰ به ۹۴۸ در دهه ۱۹۹۰، ۱۲۸۸ در دهه ۲۰۰۰ و ۲۱۶۰ در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. نقشه فکری هر دهه از نظر کیفی متفاوت است. دهه ۱۹۸۰ پایه‌های فکری را براساس کار بر روی رشد اقتصادی بلندمدت و قابلیت‌های فناوری که به طور مستقل ظهور کردند، بنیان نهاده است. با این حال، در دهه ۱۹۹۰، این مناطق به دلیل پیوندهای فکری نزدیک‌تر بین تجربیات رشد و رویکردهای تکاملی نفو شومپیتری، بسیار به یکدیگر نزدیک شدند. این دهه با نوع رویکردهای تجربی و نظری مشخص شده است. در دهه ۲۰۰۰،

مورد قابلیت‌های پویا است کارهایی که توسط [۷۳]، یا اثر [۷۴] و از سویی دیگر اثر [۷۵] می‌باشد. جریان بالایی (شمالی) به کار روی رژیم فناوری و نظام‌های نوآوری پخشی توسط کیون لی و ماربا مرتبط است. در شرایط فزاینده جهانی شدن، این ادبیات به خوشه‌های محلی [۷۶] در زنجیره‌های جهانی و ادبیات زنجیره ارزش جهانی متصل است. همچنین شامل مطالعات روش‌شناختی سیستم‌های فناوری توسط کارلسون، یاکوبسون و همکاران است که اغلب در زمینه فناوری‌های نوظهور انرژی اعمال می‌شود. به غیر اثر [۱۸]، این دوره به مسائل کلان نظری کلی و مباحث همگرایی / واگرایی علاقمند نمی‌باشد. در عوض، تمرکز جدید بر ابعاد مختلف شرکت‌های متاخر در سیستمی از نوآوری، پخش‌ها و زنجیره ارزش جهانی است. در این دوره، غلبه رویکردهای نئو شومپیتری هترودکس را در هر چهار سطح تحلیل (شرکت، پخشی، ملی، جهانی) مشاهده می‌شود. شبکه‌های استنادی مشترک در حوزه فناوری در دهه دوم قرن بیست و یکم به شدت به سمت جهانی شدن اقتصادهای نوظهور و همه مسائل ناشی از یکپارچه‌سازی برای شرکت‌ها و صنعت پیش رفته است. تمرکز غالب در دهه ۲۰۱۰ در سطح مزو، با در نظر گرفتن پخش‌ها یا زنجیره‌های ارزش جهانی است. در این دوره، «شبکه‌ساز فکری» غالب، [۷۷] است. او جایگاه مرکزی را در شبکه استنادی مشترک با تمرکز بر انواع مختلف جهانی شدن و ارتقای فناوری اشغال می‌کند.



شکل ۱۰- شبکه استنادی مشترک ادبیات همپایی فناوری در دهه ۲۰۱۰

مودامبی یکی از نویسندهای یا نویسنده‌های هشت مقاله از این شبکه است. مقاله کوماراسوامی و همکاران دارای بیشترین استناد است و مجله International Business Studies برنده مقاله دهه شده است. پیوندهای فکری مودمبوی در سه جهت گسترش می‌باشد: دست راست پایین (جنوب‌شرقی)، دست راست بالا (شمال‌شرقی) و دست چپ پایین (جنوب‌غربی). پیوند پایین سمت راست (جنوب‌شرقی) از طریق مقاله [۷۸] است که دیدگاه‌های مختلف در مورد مفاهیم نظری شرکت‌های چندملیتی در بازارهای در حال ظهرور را بررسی می‌کند. این جریان شامل دو جریان فرعی است که هر دو به کتاب ویرایش شده

محرك‌های همگرایی/واگرایی در رشد اقتصادی بود که از زوایای مختلف روش‌شناختی به آن پرداخته شد.

چهارم، در طول دهه ۲۰۰۰، تجربیات رشد و مسائل مربوط به همگرایی و واگرایی کنار گذاشته شد. تمرکز از دیدگاه مبتنی بر منابع (قابلیت)، نظام‌های نوآوری بخشی و زنجیره‌های ارزش جهانی به شرکت‌های متاخر تغییر کرد. مسائل کلان نظری کلی و بحث همگرایی/واگرایی در این دوره کنار گذاشته شد. این تحقیق بر ابعاد مختلف شرکت‌های متاخر در یک نظام نوآوری و حوزه‌های بخشی و زنجیره ارزش جهانی متمرکز بود.

پنجم، دهه ۲۰۱۰ شاهد یک تغییر اساسی به سوی جهانی شدن در میان اقتصادهای نوظهور و آنچه که شرکت‌ها و صنایع برای همپایی مستلزم آن می‌باشند، بود. در این دهه، تحقیقات بر روی سطح زنجیره ارزش بخش مزو و جهانی متمرکز شد. همچنین ارتباط نزدیک بین سطوح جهانی و ملی و نحوه تعامل شرکت‌ها در چارچوب چند سطحی را نشان داد.

ششم، تکامل تحقیقات همپایی فناوری در طول چهار دهه، گسترش محدودی را از نظر تعداد نویسنده‌گان و کشورها نشان داد اما از منظر تکامل کیفی تغییرات متفاوت و با همگرایی بین رشد اقتصادی و ادبیات قابلیت‌های فناوری، تغییر از موضوعات کلان رشد و همگرایی به مسائل در سطح شرکت و سطح بخشی (متاخرین) و نگرانی در مورد رابطه بین جهانی شدن و ارتقاء فناوری در سطح بخشی و مزو مشخص می‌شد.

۷- مراجع

- 1- A. Dieppe, S. Kılıç-Celik, and G. Kindberg-Hanlon, "Global Productivity: Trends," Drivers, and Policies, Washington: International Bank for Reconstruction and Development/The World Bank, 2020.
- 2- N. Crafts and K. H. O'Rourke, "Twentieth century growth," Handbook of economic growth, vol. 2, pp. 263-346, 2014.
- 3- M. Abramovitz, "Catching up, forging ahead, and falling behind," The journal of economic history, vol. 46, no. 2, pp. 385-406, 1986.
- 4- C. Freeman, Technology, policy, and economic performance: lessons from Japan. Pinter Pub Ltd, 1987.
- 5- C. Freeman and C. Perez, "Structural Crises of Adjustment, Business Cycles and," 1988.
- 6- J. Fagerberg, "A technology gap approach to why growth rates differ," Research policy, vol. 16, no. 2-4, pp. 87-99, 1987.
- 7- J. Fagerberg, "Why growth rates differ," Technical change and economic theory, pp. 432-457, 1988.
- 8- C. J. Dahlman and L. E. Westphal, "The meaning of technological mastery in relation to transfer of technology," The Annals of the American Academy of Political and Social Science, vol. 458, no. 1, pp. 12-26, 1981.
- 9- C. J. Dahlman, B. Ross-Larson, and L. E. Westphal, "Managing technological development: lessons from the newly industrializing countries," World development, vol. 15, no. 6, pp. 759-775, 1987.
- 10- L. E. Westphal, "The Adoption and Diffusion of Imported Technology: The Case of Korea. By JL Enos and WH Park. London: Croom Helm; New York: Methuen, 1988. xvi, 272 pp. \$55.00," The Journal of Asian Studies, vol. 47, no. 4, pp. 906-906, 1988.
- 11- J. M. Katz, Technology generation in Latin American manufacturing industries. Springer, 1987.
- 12- S. Lall, Learning to industrialize: the acquisition of technological capability by India. Springer, 1987.
- 13- E. Penrose, "The Theory of the Growth of the Firm. New York: John Wiley & Sons Inc," Penrose, E. T, vol. 1, pp. 1-23, 1959.

تمرکز بر مسائل همگرایی کاهاش یافت و به مسائل مربوط به سطح شرکت و همپایی تغییر کرد، و این موارد از دیدگاه مبتنی بر منابع (قابلیت) مربوط به شرکت‌های متاخر و زمینه سازمانی آنها بررسی شد. در دهه چهارم (۲۰۱۰-۲۰۲۰)، تحقیقات بر روی جهانی شدن و بازارهای چندملیتی نوظهور و رابطه بین جهانی شدن و ارتقاء فناوری از منظر بخش یا مزو متمرکز شد. تنوع و دگرگونی تحقیقات در زمینه همپایی فناوری با مشارکت بیشتر کشورها و مؤسسات همراه بوده است. یک شیوه تحقیقاتی از ایالات متحده و بریتانیا در دهه ۱۹۹۰ گسترش یافته و هلند و چین در دهه ۲۰۰۰ را شامل می‌شود و تا سال ۲۰۱۰ بسیاری از کشورهای دیگر آن را به یک منطقه واقعاً جهانی تبدیل می‌کنند. این تنوع کشوری با تنوع مشابهی از نهادها همراه است اما در داخل کشورها متمرکز شده است.

۴- نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف ارائه یک بررسی نظاممند از تکامل ادبیات همپایی فناوری برای بر جسته کردن تاریخچه و آینده احتمالی آن با استفاده از تکنیک‌های کتاب‌سنگی پیشرفت و پایگاه داده‌ای حاصل از جمع‌آوری مطالعات اصلی براساس جستجوی داده‌های وب‌افسانس انجام شد. ۵۶۲۶ سند به دست آمده با استفاده از معیارهای هم‌رخدادی و هم‌استنادی با استفاده تکنیک‌های علم‌سنگی تحلیل شدند.

مسئله همپایی فناوری در ادبیات دانشگاهی در دهه ۱۹۶۰ ظاهر شد. اما تنها در دهه ۱۹۸۰ به حجم چشم‌گیر و قابل ملاحظه‌ای دست یافت. در دهه ۱۹۹۰ بیشتر شد و گسترش یافت. تجزیه و تحلیل ما چندین یافته مهم را در این خصوص ارائه می‌دهد.

نخست، تأثیرگذارترین ایده‌ها و تحقیقات در زمینه همپایی فناوری لزوماً در مجلات مطالعات نوآوری منتشر نمی‌شوند. مجلات مطالعات نوآوری تمایل دارند مقالات «علمی متواتر» را منتشر کنند، یعنی مقالاتی که کمک‌های فزاینده‌ای به دانش موجود می‌کنند. عدم تمرکز مقالات با بیشترین استناد در یک مجله خاص نشان می‌دهد که محققین همپایی فناورانه یک جامعه بسته را تشکیل نمی‌دهند.

دوم، حوزه‌های اصلی که در مورد همپایی فناوری تحقیق می‌کند، اقتصاد، کسب و کار و مدیریت هستند. همپایی فناوری را می‌توان یک حوزه بین رشته‌ای از سایر حوزه‌ها مانند مطالعات منطقه‌ای، مطالعات محیطی، تحقیقات عملیاتی و علوم اجتماعی در نظر گرفت. کلیدوازه‌های اصلی را می‌توان نوآوری، تحقیق و توسعه و بهره‌وری دانست که موضوعات اصلی این حوزه را در برگرفته و محدودیتی را برای جهت‌گیری پژوهشی فعلی ایجاد می‌نمایند.

سوم، دوره پایه تحلیل دهه ۱۹۸۰ بود که با دو «مکتب فکری» یا خوش‌غیر مرتب مخصوص می‌شد: خوش‌هه اقتصادی ایالات متحده که بر رشد بلندمدت متمرکز بود و خوش‌های متمرکز بر قابلیت‌های فناورانه کشورهای در حال توسعه. در طول دهه ۱۹۹۰، این دو خوش‌هه بیشتر تکامل یافته‌ند و شروع به همگرایی کردند. در این دوره، وجه مشترک

- 35- W. M. Cohen and D. A. Levinthal, "Absorptive capacity: A new perspective on learning and innovation," *Administrative science quarterly*, pp. 128-152, 1990.
- 36- A. Maddison, "A comparison of levels of GDP per capita in developed and developing countries, 1700–1980," *The Journal of Economic History*, vol. 43, no. 1, pp. 27-41, 1983.
- 37- W. J. Baumol, "Productivity growth, convergence, and welfare: what the long-run data show," *The american economic review*, pp. 1072-1085, 1986.
- 38- A. Maddison, "Growth and slowdown in advanced capitalist economies: techniques of quantitative assessment," *Journal of economic literature*, vol. 25, no. 2, pp. 649-698, 1987.
- 39- R. Summers and A. Heston, "A new set of international comparisons of real product and price levels estimates for 130 countries, 1950–1985," *Review of income and wealth*, vol. 34, no. 1, pp. 1-25, 1988.
- 40- R. Ram, "Government size and economic growth: A new framework and some evidence from cross-section and time-series data," *The American economic review*, vol. 76, no. 1, pp. 191-203, 1986.
- 41- G. Feder, "On exports and economic growth," *Journal of development economics*, vol. 12, no. 1-2, pp. 59-73, 1983.
- 42- M. Fransman, "Technological capability in the Third World: an overview and introduction to some of the issues raised in this book," *Technological capability in the Third World*, pp. 3-30, 1984.
- 43- J. Enos and W. Park, "The adoption of imported technology: The case of Korea," New York: Croom Ltd, 1988.
- 44- C. Bell et al., *Economic Development*. Macmillan, 1989.
- 45- E. Baark and A. Jamison, "The technology and culture problematique," in *Technological Development in China, India and Japan*: Springer, 1986, pp. 1-34.
- 46- N. G. Mankiw, D. Romer, and D. N. Weil, "A contribution to the empirics of economic growth," *The quarterly journal of economics*, vol. 107, no. 2, pp. 407-437, 1992.
- 47- R. J. Barro, "Economic growth in a cross section of countries," *The quarterly journal of economics*, vol. 106, no. 2, pp. 407-443, 1991.
- 48- R. J. Barro, "Inflation and economic growth," ed: National bureau of economic research Cambridge, Mass., USA, 1995.
- 49- S. Dowrick and D.-T. Nguyen, "OECD comparative economic growth 1950-85: catch-up and convergence," *The American Economic Review*, pp. 1010-1030, 1989.
- 50- P. M. Romer, "Increasing returns and long-run growth," *Journal of political economy*, vol. 94, no. 5, pp. 1002-1037, 1986.
- 51- G. M. Grossman and E. Helpman, "Trade, innovation, and growth," *The American economic review*, vol. 80, no. 2, pp. 86-91, 1990.
- 52- R. E. Lucas Jr, "Making a miracle," *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, pp. 251-272, 1993.
- 53- R. R. Nelson and G. Wright, "The rise and fall of American technological leadership: the postwar era in historical perspective," *Journal of Economic Literature*, vol. 30, no. 4, pp. 1931-1964, 1992.
- 54- A. B. Bernard and S. N. Durlauf, "Convergence in international output," *Journal of applied econometrics*, vol. 10, no. 2, pp. 97-108, 1995.
- 55- M. E. Porter, "Towards a dynamic theory of strategy," *Strategic management journal*, vol. 12, no. S2, pp. 95-117, 1991.
- 56- B.-Å. Lundvall, "User-producer relationships, national systems of innovation and internationalisation," in *National systems of innovation: Towards a theory of innovation and interactive learning*: Pinter Publishers, 1992, pp. 45-67.
- 57- R. R. Nelson, *National innovation systems: a comparative analysis*. Oxford University Press on Demand, 1993.
- 58- W. M. Cohen and D. A. Levinthal, "Absorptive capacity: A new perspective on learning and innovation," *Administrative science quarterly*, vol. 35, no. 1, pp. 128-152, 1990.
- 59- R. E. Hall and C. I. Jones, "Why do some countries produce so much more output per worker than others?," *The quarterly journal of economics*, vol. 114, no. 1, pp. 83-116, 1999.
- 60- S. Kumar and R. R. Russell, "Technological change, technological catch-up, and capital deepening: relative
- 14- M. Bell and K. Pavitt, "Technological accumulation and industrial growth: contrasts between developed and developing countries," *Industrial and corporate change*, vol. 2, no. 2, pp. 157-210, 1993.
- 15- M. Bell and K. Pavitt, "The development of technological capabilities," *Trade, technology and international competitiveness*, vol. 22, no. 4831, pp. 69-101, 1995.
- 16- M. Hobday, *How the Four Asian Dragons Caught Up in Electronics: Strategies of Latecomer Firms*. 1993.
- 17- M. Hobday, "Innovation in East Asia," Books, 1995.
- 18- A. H. Amsden, *The rise of "the rest": challenges to the west from late-industrializing economies*. Oxford University Press, USA, 2001.
- 19- L. Kim, *Imitation to innovation: The dynamics of Korea's technological learning*. Harvard business press, 1997.
- 20- L. Kim, "Crisis construction and organizational learning: Capability building in catching-up at Hyundai Motor," *Organization science*, vol. 9, no. 4, pp. 506-521, 1998.
- 21- J. A. Mathews, "Dragon multinationals: New players in 21 st century globalization," *Asia Pacific journal of management*, vol. 23, no. 1, pp. 5-27, 2006.
- 22- K. B. Clark and T. Fujimoto, "Heavyweight product managers," *McKinsey Quarterly*, no. 1, pp. 42-60, 1991.
- 23- I. Nonaka, "Redundant, overlapping organization: A Japanese approach to managing the innovation process," *California Management Review*, vol. 32, no. 3, pp. 27-38, 1990.
- 24- J. P. Womack, D. T. Jones, and D. Roos, "The machine that changed the world, Rawson Associates," New York, vol. 323, pp. 273-287, 1990.
- 25- A. Kumaraswamy, R. Mudambi, H. Saranga, and A. Tripathy, "Catch-up strategies in the Indian auto components industry: Domestic firms' responses to market liberalization," *Journal of International Business Studies*, vol. 43, no. 4, pp. 368-395, 2012.
- 26- S. Awate, M. M. Larsen, and R. Mudambi, "EMNE catch-up strategies in the wind turbine industry: Is there a trade-off between output and innovation capabilities?," *Global Strategy Journal*, vol. 2, no. 3, pp. 205-223, 2012.
- 27- M. Safdari Ranjbar, T.-Y. Park, and M. Kiamehr, "What happened to complex product systems literature over the last two decades: progresses so far and path ahead," *Technology Analysis & Strategic Management*, vol. 30, no. 8, pp. 948-966, 2018.
- 28- M. Kiamehr, M. Hobday, and M. Hamed, "Latecomer firm strategies in complex product systems (CoPS): The case of Iran's thermal electricity generation systems," *Research Policy*, vol. 44, no. 6, pp. 1240-1251, 2015.
- 29- K. Lee and F. Malerba, "Catch-up cycles and changes in industrial leadership: Windows of opportunity and responses of firms and countries in the evolution of sectoral systems," *Research Policy*, vol. 46, no. 2, pp. 338-351, 2017.
- 30- C. Chen, "CiteSpace II: Detecting and visualizing emerging trends and transient patterns in scientific literature," *Journal of the American Society for information Science and Technology*, vol. 57, no. 3, pp. 359-377, 2006.
- 31- C. Chen, "Science mapping: a systematic review of the literature," *Journal of data and information science*, vol. 2, no. 2, 2017.
- 32- D. Kempe, J. Kleinberg, and É. Tardos, "Maximizing the spread of influence through a social network," in *Proceedings of the ninth ACM SIGKDD international conference on Knowledge discovery and data mining*, 2003, pp. 137-146.
- 33- C. Chen and S. Morris, "Visualizing evolving networks: Minimum spanning trees versus pathfinder networks," in *IEEE symposium on information visualization 2003 (IEEE Cat. No. 03TH8714)*, 2003, pp. 67-74: IEEE.
- 34- K. Lee and C. Lim, "Technological regimes, catching-up and leapfrogging: findings from the Korean industries," *Research policy*, vol. 30, no. 3, pp. 459-483, 2001.

- 82- A. Marin and M. Bell, "Technology spillovers from foreign direct investment (FDI): the active role of MNC subsidiaries in Argentina in the 1990s," *The Journal of Development Studies*, vol. 42, no. 4, pp. 678-697, 2006.
- 83- B. Smarzynska Javorcik, "Does Foreign Direct Investment Increase the Productivity of Domestic Firms? In Search of Spillovers Through Backward Linkages," *American Economic Review*, vol. 94, no. 3, pp. 605-627, 2004.
- 84- R. Griffith, R. Harrison, and J. Van Reenen, "How special is the special relationship? Using the impact of US R&D spillovers on UK firms as a test of technology sourcing," *American Economic Review*, vol. 96, no. 5, pp. 1859-1875, 2006.
- 85- W. Keller, "International technology diffusion," *Journal of economic literature*, vol. 42, no. 3, pp. 752-782, 2004.
- 86- W. Keller, "Transfer of technology," forthcoming in *The New Palgrave*, 2007.
- 87- A. Lamin and G. Livani, "Agglomeration, catch-up and the liability of foreignness in emerging economies," *Journal of International Business Studies*, vol. 44, no. 6, pp. 579-606, 2013.
- 88- S. Barrientos, G. Gereffi, and A. Rossi, "Economic and social upgrading in global production networks: A new paradigm for a changing world," *International Labour Review*, vol. 150, no. 3-4, pp. 319-340, 2011.
- 89- M. W. Peng, D. Y. Wang, and Y. Jiang, "An institution-based view of international business strategy: A focus on emerging economies," *Journal of international business studies*, vol. 39, no. 5, pp. 920-936, 2008.
- 90- C. Pietrobelli and R. Rabellotti, "Global value chains meet innovation systems: are there learning opportunities for developing countries?," *World development*, vol. 39, no. 7, pp. 1261-1269, 2011.
- 91- A. Morrison, C. Pietrobelli, and R. Rabellotti, "Global value chains and technological capabilities: a framework to study learning and innovation in developing countries," *Oxford development studies*, vol. 36, no. 1, pp. 39-58, 2008.
- 92- K. Lee, Schumpeterian analysis of economic catch-up: Knowledge, path-creation, and the middle-income trap. Cambridge University Press, 2013.
- 93- F. Malerba and R. Nelson, "Learning and catching up in different sectoral systems: evidence from six industries," *Industrial and corporate change*, vol. 20, no. 6, pp. 1645-1675, 2011.
- 94- J. Fagerberg and M. Srholec, "National innovation systems, capabilities and economic development," *Research policy*, vol. 37, no. 9, pp. 1417-1435, 2008.
- 95- D. Archibugi, M. Denni, and A. Filippetti, "The technological capabilities of nations: The state of the art of synthetic indicators," *Technological Forecasting and Social Change*, vol. 76, no. 7, pp. 917-931, 2009.
- 96- M. Mazzucato, "Financing innovation: creative destruction vs. destructive creation," *Industrial and Corporate Change*, vol. 22, no. 4, pp. 851-867, 2013.
- 97- D. Archibugi and A. Coco, "A new indicator of technological capabilities for developed and developing countries (ArCo)," *World development*, vol. 32, no. 4, pp. 629-654, 2004.
- 98- C. Perez, *Technological revolutions and financial capital*. Edward Elgar Publishing, 2003.
- 99- A. Maddison, *Monitoring the world economy, 1820-1992*. Development Centre of the Organisation for Economic Co-operation and ..., 1995.
- 100- J. A. Mathews, "Competitive advantages of the latecomer firm: A resource-based account of industrial catch-up strategies," *Asia Pacific journal of management*, vol. 19, no. 4, pp. 467-488, 2002.
- 101- H. Etzkowitz and L. Leydesdorff, "The dynamics of innovation: from National Systems and "Mode 2" to a Triple Helix of university-industry-government relations," *Research policy*, vol. 29, no. 2, pp. 109-123, 2000.
- 102- H.-J. Braczyk, P. Cooke, and M. Heidenreich, *Regional innovation systems: the role of governances in a globalized world*. Routledge, 2003.
- 103- K. Morgan, "The learning region: institutions, innovation and regional renewal," *Regional Studies*, vol. 31, no. 5, pp. 491-503, 1997.
- 104- C. Lawson and E. Lorenz, "Collective learning, tacit knowledge and regional innovative capacity," *Regional studies*, vol. 33, no. 4, pp. 305-317, 1999.
- 105- E. B. Viotti, "National learning systems: a new approach on technological change in late industrializing economies and evidences from the cases of Brazil and South Korea," *Technological Forecasting and Social Change*, vol. 69, no. 7, pp. 653-680, 2002.
- 106- L. Kim, R. R. Nelson, and R. R. Nelson, *Technology, learning, and innovation: Experiences of newly industrializing economies*. Cambridge University Press, 2000.
- 107- D. J. Teece, G. Pisano, and A. Shuen, "Dynamic capabilities and strategic management," *Strategic management journal*, vol. 18, no. 7, pp. 509-533, 1997.
- 108- I. Nonaka, I. o Nonaka, N. Ikujiro, and H. Takeuchi, *The knowledge-creating company: How Japanese companies create the dynamics of innovation*. OUP USA, 1995.
- 109- D. Leonard-Barton, "Wellsprings of Knowledge: Building and Sustaining the Sources of Innovation. University of Illinois at Urbana-Champaign's Academy for Entrepreneurial Leadership Historical Research Reference in Entrepreneurship," ed, 1995.
- 110- J. Bair and G. Gereffi, "Local clusters in global chains: the causes and consequences of export dynamism in Torreón's blue jeans industry," *World development*, vol. 29, no. 11, pp. 1885-1903, 2001.
- 111- R. Mudambi, "Location, control and innovation in knowledge-intensive industries," *Journal of economic Geography*, vol. 8, no. 5, pp. 699-725, 2008.
- 112- A. Cuervo-Cazurra, "Extending theory by analyzing developing country multinational companies: Solving the Goldilocks debate," *Global Strategy Journal*, vol. 2, no. 3, pp. 153-167, 2012.
- 113- R. Ramamurti and J. V. Singh, *Emerging multinationals in emerging markets*. Cambridge University Press, 2009.
- 114- Y. Luo and R. L. Tung, "International expansion of emerging market enterprises: A springboard perspective," vol. 38, ed: Springer, 2007, pp. 481-498.
- 115- J. Cantwell and R. Mudambi, "MNE competence-creating subsidiary mandates," *Strategic management journal*, vol. 26, no. 12, pp. 1109-1128, 2005.
- 116- contributions to growth and convergence," *American Economic Review*, vol. 92, no. 3, pp. 527-548, 2002.
- 117- J. Temple, "The new growth evidence," *Journal of economic Literature*, vol. 37, no. 1, pp. 112-156, 1999.
- 118- J. L. Furman, M. E. Porter, and S. Stern, "The determinants of national innovative capacity," *Research policy*, vol. 31, no. 6, pp. 899-933, 2002.